

در اجرای بند ۷ حکم رییس جمهور در مورد تشکیل هیأت گزارش موارد عدم اجرا یا نقض قانون اساسی برای تقدیم به مجلس شورای اسلامی تهیه و در آذرماه سال ۱۳۷۸ تقدیم رییس جمهور شد. رییس جمهور در اجرای ماده ۱۶ قانون تعیین حدود وظایف و اختیارات ریاست جمهوری مصوب سال ۱۳۶۵ در روزهای پایان سال ۱۳۷۸ گزارش مزبور را با حذف بند مربوط به دادگاه ویژه و شورای عالی انقلاب فرهنگی به مجلس پنجم تقدیم کرد، که جهت رسیدگی به کمیسیون اصل ۹۰ مجلس ارجاع شد و بعداً در مجلس ششم در جلسه غیرعلنی مجلس قرائت گردید.

نسخه کامل گزارش نیز از سوی رییس جمهور خدمت مقام معظم رهبری تقدیم گردید که چندی بعد ایشان پاسخی مرقوم فرمودند.

گزارش، پیوست‌های مفصل که در واقع مستندات گزارش بودند نیز داشت که لزومی به درج آنها در این مجموعه دیده نشد.

بسمه تعالی

شماره ۷۸-۱۱۱۳

تاریخ ۱۳۷۸/۹/۸

حضرت حجة الاسلام والمسلمین جناب آقای خاتمی

ریاست محترم جمهوری اسلامی ایران

با سلام

با توجه به بند ۷ حکم مورخ ۱۳۷۶/۹/۸ حضرت عالی برای تشکیل هیأت پیگیری و نظارت بر اجرای قانون اساسی مبنی بر تنظیم گزارش سالانه مربوط به عدم اجرا یا نقض اصول قانون اساسی، گزارش زیر حضورتان تقدیم می‌گردد. لازم به یادآوری است این گزارش، که نخستین بار است تنظیم و ارایه می‌شود، گزارش مشروح و کامل نیست و در واقع یک گزارش ابتدایی محسوب می‌گردد که می‌تواند در آینده با دستیابی به اطلاعات بیشتر و دقیق‌تر کامل‌تر و مستندتر ارایه گردد و البته آرزویمان، این است که با اجرای مطلوب اصول قانون اساسی نیازی به تنظیم این نوع گزارش‌ها نباشد. به هر حال گزارش فوق در یک مقدمه و دو بخش به شرح پیوست تقدیم می‌گردد.

حسین مهرپور

مشاور رئیس جمهوری و رئیس هیأت

پیگیری و نظارت بر اجرای قانون اساسی

فهرست گزارش موارد عدم اجرا و نقض قانون اساسی

مقدمه

بخش اول: موارد عدم اجرای قانون اساسی

۱- اصل ۱۶۸ قانون اساسی

۲- اصل ۸ قانون اساسی

۳- اصل ۳۰ قانون اساسی

۴- اصل ۱۵ قانون اساسی

۵- اصل ۲۹ قانون اساسی

۶- اصل ۱۰۱ قانون اساسی

بخش دوم: موارد نقض قانون اساسی

۱- اصل ۱۵۹ قانون اساسی

۲- اصل ۵۸ قانون اساسی

۳- اصل ۲۲ قانون اساسی

۴- اصل ۲۳ قانون اساسی

۵- اصل ۲۸ قانون اساسی

۶- اصل ۳۲ قانون اساسی

۷- اصول ۳۸ و ۳۹ قانون اساسی

۸- اصل ۱۶۸ قانون اساسی

بسمه تعالی

گزارش موارد عدم اجرا و نقض اصول قانون اساسی

مقدمه - تکلیف رییس جمهور در اجرای قانون اساسی

اصل ۱۱۳ قانون اساسی مقرر می‌دارد: «پس از مقام رهبری رییس جمهور عالی‌ترین مقام رسمی کشور است و مسؤولیت اجرای قانون اساسی و ریاست قوه مجریه را جز در اموری که مستقیماً به رهبری مربوط می‌شود، برعهده دارد.»

به موجب این اصل، رییس جمهور مکلف است نسبت به اجرای اصول قانون اساسی، اقدامات و تمهیدات لازم را با توجه به اختیارات و ابزارهای قانونی که در دست دارد، انجام دهد، اگر استثناء ذیل اصل ۱۱۳ «جز در اموری که مستقیماً به رهبری مربوط می‌شود.» طبق قاعده اصولی - استثناء عقیب جُمَل به جمله آخر برمی‌گردد - ناظر به جمله آخر اصل یعنی عهده‌دار بودن ریاست قوه مجریه بدانیم، مسؤولیت رییس جمهور در اجرای قانون اساسی مطلق است و فقط ریاست او بر قوه مجریه مقید است ولی اگر معتقد باشیم در این جا قرائن حکایت دارد که استثناء به هر دو جمله می‌خورد، می‌توان مسؤولیت رییس جمهور در اجرای قانون اساسی را محدود به اصولی کرد که مستقیماً در حوزه اختیارات رهبر قرار ندارد و با این تفصیل، مثلاً در مورد وظایف و اختیاراتی که در اصل ۱۱۰ قانون اساسی و برخی اصول دیگر مستقیماً اجرای آن با رهبر است، رییس جمهور، مسؤولیتی ندارد. ولی در هر حال، مسؤولیت او در اجرای قانون اساسی در سه قوه یعنی علاوه بر قوه مجریه در قوه قضاییه و مقننه، مطلق است.

طبق اصل ۱۲۱ قانون اساسی، رییس جمهور پس از انتخاب باید در مجلس شورای اسلامی حضور پیدا کرده و در حضور رییس قوه قضاییه و اعضای شورای نگهبان (و طبعاً نمایندگان مجلس) سوگند ادا نماید، از جمله اموری که در متن سوگند رییس جمهور گنجانده شده و با ایراد آن وی، خود را متعهد به انجام آن‌ها می‌نماید، حمایت از آزادی و حرمت اشخاص و حقوقی می‌باشد که قانون اساسی برای ملت به

رسمیت شناخته است.^۱

در قانون تعیین حدود وظایف و اختیارات و مسؤولیت‌های ریاست جمهوری مصوب سال ۱۳۶۵ تا حدودی نحوه انجام این مسؤولیت از سوی رییس جمهور تبیین شده است، در مواد ۱۳، ۱۴، ۱۵ و ۱۶ قانون مزبور، از توقف، عدم اجرا، نقض و تخلف از قانون اساسی سخن رفته و از رییس جمهور خواسته شده از طریق نظارت، بازرسی، پیگیری، درخواست توضیح از بالاترین مقامات مسؤول دستگاه‌های حکومتی، اخطار و تذکر به قوای سه گانه کشور، و انجام اقدامات لازم، نسبت به اجرای قانون اساسی و جلوگیری از توقف و نقض اصول آن و رفع عوارض ناشی از تخلف، اقدام نماید.

همچنین به رییس جمهور، اختیار داده شده است که آمار سالانه موارد توقف، عدم اجرا و نقض تخلف از قانون اساسی را با تصمیمات متخذه به اطلاع مجلس شورای اسلامی برساند. جهت مزید استحضار ذیلاً عین مواد چهارگانه فوق‌الذکر نقل می‌شود.
ماده ۱۳: «به منظور پاسداری از قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران و در اجرای اصل (۱۱۳) قانون اساسی، رییس جمهور از طریق نظارت، کسب اطلاع، بازرسی، پیگیری، بررسی و اقدامات لازم مسؤول اجرای قانون اساسی می‌باشد.»

ماده ۱۴: «در صورت توقف یا عدم اجرای اصلی از اصول قانون اساسی رییس جمهور در اجرای وظایف خویش برای اجرای قانون اساسی به نحو مقتضی اقدام

۱- اصل ۱۲۱ قانون اساسی: رییس جمهور در مجلس شورای اسلامی در جلسه‌ای که با حضور رییس قوه قضاییه و اعضای شورای نگهبان تشکیل می‌شود به ترتیب زیر سوگند یاد می‌کند و سوگندنامه را امضاء می‌نماید.

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

«من به عنوان رییس جمهور در پیشگاه قرآن کریم و در برابر ملت ایران به خداوند قادر متعال سوگند یاد می‌کنم که پاسدار مذهب رسمی و نظام جمهوری اسلامی و قانون اساسی کشور باشم و همه استعداد و صلاحیت خویش را در راه ایفای مسؤولیت‌هایی که بر عهده گرفته‌ام به کار گیرم و خود را وقف خدمت به مردم و اعتلای کشور، ترویج دین و اخلاق، پشتیبانی از حق و گسترش عدالت سازم و از هرگونه خودکامگی بپرهیزم و از آزادی و حرمت اشخاص و حقوقی که قانون اساسی برای ملت شناخته است حمایت کنم. در حراست از مرزها و استقلال سیاسی و اقتصادی و فرهنگی کشور از هیچ اقدامی دریغ نورزم و با استعانت از خداوند و پیروی از پیامبر اسلام و ائمه اطهار علیهم السلام قدرتی را که ملت به عنوان امانتی مقدس به من سپرده است همچون امینی پارسا و فداکار نگاهدار باشم و آن را به منتخب ملت پس از خود بسپارم.»

می نماید و برای این منظور می تواند مراتب را به اطلاع بالاترین مقام مسؤول مربوطه برساند و علت توقف یا عدم اجراء را خواستار گردد.

مقام مسؤول موظف است پاسخ خود را مشروحاً و با ذکر دلیل به اطلاع رئیس جمهور برساند. در صورتی که پس از بررسی به تشخیص رئیس جمهور توقف یا عدم اجراء ثابت گردد، نسبت به اجرای اصل یا اصول مربوطه و رفع عوارض ناشی از تخلف اقدام و در صورتی که تخلف مربوط به نخست وزیر و وزراء باشد به مجلس شورای اسلامی ارجاع می دهد و در غیر این صورت پرونده امر به مرجع صالح ارسال خواهد شد.

ماده ۱۵: «به منظور اجرای صحیح و دقیق قانون اساسی، رئیس جمهور حق اختطار و تذکر به قوای سه گانه کشور را دارد.»

ماده ۱۶: «رئیس جمهور می تواند سالی یک بار آمار موارد توقف، عدم اجرا و نقض و تخلف از قانون اساسی را با تصمیمات متخذه تنظیم کند و به اطلاع مجلس شورای اسلامی برساند.»

چنانکه ملاحظه می شود طبق مواد فوق الاشعار، رئیس جمهور می تواند و بلکه مکلف است با اعمال نظارت و انجام بازرسی و بررسی موارد و موضوعات اعلام شده کسب اطلاع و خواستن توضیح از دستگاه های مربوطه در هر سه قوه و پیگیری مطلب، وظیفه خطیر خود را در خصوص اجرای قانون اساسی و جلوگیری از توقف و نقض آن انجام دهد.

علاوه بر آن در مواد ۱۳ و ۱۴، با عنوان عام «اقدامات لازم» و «اقدام به نحو مقتضی» دست رئیس جمهور در اتخاذ شیوه مناسب برای انجام این مسؤولیت بازگذاشته شده است.

پس از اصلاحات سال ۱۳۶۸ قانون اساسی که در قوه مجریه پست نخست وزیر حذف شد، و اختیارات اجرایی رئیس جمهور افزایش یافت طبعاً برخی از مواد قانون تعیین حدود وظایف و اختیارات ریاست جمهوری مصوب سال ۱۳۶۵ سالیه به انتفاء موضوع یا نسخ ضمنی شد؛ مانند مواد مربوط به معرفی نخست وزیر و یا بررسی و

اظهار نظر در مورد آیین نامه و تصویب نامه های دولتی، ولی نسخ و تغییر و اصلاحی در این مواد چهارگانه مربوط به وظیفه رییس جمهور در اجرای قانون اساسی به عمل نیامده و همچنان به قوت خود باقی مانده است.^۱

تشکیل هیأت پیگیری و نظارت بر اجرای قانون اساسی

رییس جمهور برای حسن انجام وظیفه خود، طبق اصل ۱۱۳ قانون اساسی و شیوه های پیش بینی شده در مواد ۱۳ و ۱۴ قانون مصوب سال ۱۳۶۵ در هشتم آذرماه سال ۱۳۷۶ طی حکمی اقدام به تشکیل هیأتی به نام «هیأت پیگیری و نظارت بر اجرای قانون اساسی» نمود تا او را در امر بازرسی و نظارت و پیگیری و اتخاذ شیوه های مناسب برای اقدامات لازم مورد نظر مواد ۱۳ و ۱۴ قانون مارالذکر یاری نمایند.

هیأت مزبور که از برخی افراد حقوقدان و اعضاء دولت (از ۵ نفر اعضای هیأت دو نفر آنها عضو دولت هستند) ترکیب یافته، با تشکیل جلسات منظم هفتگی و ایجاد کمیسیون های پنجگانه: تدوین خطی مشی، نظارت و بازرسی، ارتباطات، حقوقی و آموزش و پژوهش، سعی نموده، بدون دخالت در حوزه عمل و وظایف سایر قوا، صرفاً در راستای ترتیبات مقرر در مواد ۱۳ و ۱۴ قانون انجام وظیفه نماید.

هیأت مزبور با بحث و بررسی، مواردی از اصول قانون اساسی که تاکنون اجرا نشده و یا مقررات و دستورالعمل هایی که مغایر و ناقض قانون اساسی به نظر می رسد و یا نهادها و تشکیلاتی که تشکیل آنها را با اصول قانون اساسی در تعارض می بیند مشخص نموده و نظر خود را جهت اقدام لازم به رییس جمهوری منعکس می نماید.

شکایاتی نیز از افراد مبنی بر نقض حقوق قانونی آنها توسط دستگاه های مختلف به این هیأت واصل می شود که از طریق کمیسیون ارتباطات بررسی اولیه و ارتباط آن با نقض یا عدم اجرای قانون اساسی به عمل می آید و آن گاه از طریق کمیسیون نظارت و بازرسی در صورت اقتضاء، موضوع پیگیری و بازرسی و بررسی لازم برای پی بردن به

۱- البته قسمتی از ماده ۱۴ قانون مربوط به ارجاع موارد تخلف نخست وزیر به مجلس نیز سالبه به انتفاء موضوع شده است.

وضعیت خارجی صورت می‌گیرد و نتیجه امر به هیأت منعکس می‌گردد. در مواردی که به اظهار نظر و استنباط حقوقی نیاز باشد، کمیسیون حقوقی رسیدگی نموده و نظر حقوقی خود را اعلام می‌دارد. و سرانجام از سوی هیأت، طبق ماده ۱۴ قانون تعیین حدود وظایف و اختیارات ریاست جمهوری از دستگاه‌های مربوطه توضیح خواسته می‌شود و حسب مورد تذکراتی داده می‌شود مخصوصاً وقتی موضوع مربوط به قوه مجریه باشد؛ و در هر حال نظر هیأت به رئیس جمهور منعکس می‌گردد.

می‌توان گفت اقدامات و پیگیری‌های هیأت نظارت از یک سو روحیه توجه بیشتر به قانونمند عمل کردن دستگاه‌ها را برانگیخته و از سویی در بعضی موارد به تشکیل پرونده و ارجاع به مراجع صالحه منتهی شده و یا به تذکر اصلاح وضع و جبران آثار ناشی از نقض قانون انجامیده است و در عین حال همواره تلاش بر این بوده از هرگونه اقدامی که شائبه دخالت در وظایف و مسؤولیت‌های قوای دیگر دارد خودداری شود. در واقع تشکیل این هیأت و فعالیت‌های آن که هنوز گام‌های آغازین محسوب می‌شود از جمله اقدامات رئیس جمهوری در اجرای مسؤولیت او در اجرای قانون اساسی طبق اصل ۱۱۳ به حساب می‌آید. و اینک در دو بخش آینده به موارد عدم اجرا یا نقض اصولی از قانون اساسی اشاره می‌شود.

بخش اول: موارد عدم اجرای قانون اساسی

در این قسمت اصولی از قانون اساسی که هنوز به مرحله اجرا درنیامده یا به طور کامل و صحیح اجرا نشده است مورد بررسی قرار می‌گیرد.

۱- اصل ۱۶۸ قانون اساسی: طبق اصل مزبور: «رسیدگی به جرایم سیاسی و مطبوعاتی علنی است و با حضور هیأت منصفه در محاکم دادگستری صورت می‌گیرد. نحوه انتخاب، شرایط، اختیارات هیأت منصفه و تعریف جرم سیاسی را قانون براساس موازین اسلامی معین می‌کند.»

اجرای این اصل در ارتباط با جرم سیاسی هنوز عملی نشده و موجبات اجرای آن فراهم نگردیده است یعنی هنوز قانونی که جرم سیاسی را وفق موازین اسلامی تعریف کند و ترکیب هیأت منصفه و حدود اختیارات آن را تعیین نماید تصویب نشده است. طبق اصل ۱۵۸ قانون اساسی، تهیه لوایح قضایی به عهده قوه قضاییه است، و طبعاً تصویب آن با مجلس شورای اسلامی است و تا این قانون تصویب نشود، اصل ۱۶۸ در این قسمت جامه عمل به خود نخواهد پوشید. رییس جمهوری بارها بر لزوم اجرای این اصل تأکید نموده و هیأت نظارت و پیگیری نیز جلساتی را به بحث پیرامون این موضوع پرداخته است. وزارت کشور نیز با تشکیل جلساتی نظر صاحب نظران را جمع آوری نموده و کمیسیون حقوق بشر اسلامی نیز پیش‌نویس تهیه کرده است و سرانجام قوه قضاییه در سال جاری لایحه تعریف جرم سیاسی و تشکیل هیأت منصفه را تهیه و به هیأت دولت تقدیم داشته است، لایحه مزبور هم اکنون در کمیسیون لوایح هیأت دولت در حال بررسی است که جهت تصویب به مجلس تقدیم گردد.

۲- اصل ۸ قانون اساسی: اصل مزبور با الهام از حکم اسلامی و آیه شریفه: «والمؤمنون و المؤمنات بعضهم اولیاء بعض یامرون بالمعروف و ینهون عن المنکر...» (سوره التوبه آیه: ۷۱)، امر به معروف و نهی از منکر را یک وظیفه همگانی و متقابل برای دولت نسبت به مردم و مردم به مردم و مردم نسبت به دولت به رسمیت شناخته است. ذیل این اصل مقرر شده: «... شرایط، حدود و کیفیت آن را قانون معین می‌کند.» برای این‌که اصل فوق به درستی اجرا شود قانون عادی برای تعیین شرایط، حدود و

کیفیت اجرای آن لازم است که تاکنون چنین قانونی تصویب نشده است. البته تشکیلاتی به نام «ستاد احیاء امر به معروف و نهی از منکر» فعالیت دارد ولی قانون مصوب مجلس که حدود و نحوه فعالیت آن را مشخص کند در دست نیست و این خود مشکلاتی را ایجاد می‌کند به علاوه این تشکیلات عملاً و در واقع یک وجه از اصل ۸ که همان اقدامات دولت و حکومت باشد را انجام می‌دهد و اجرای دو وجه دیگر آن به خصوص امر به معروف و نهی از منکر مردم نسبت به دولت، برنامه اجرا ندارد.

۳- اصل ۳۰ قانون اساسی: در این اصل، دولت موظف شده است، وسایل آموزش و پرورش رایگان را برای همه ملت تا پایان دوره متوسطه فراهم سازد و وسایل تحصیلات عالی را تا سرحد خودکفایی کشور به طور رایگان گسترش دهد. در بند ۳ اصل سوم نیز: آموزش و پرورش و تربیت بدنی رایگان برای همه، در تمام سطوح و تسهیل و تعمیم آموزش عالی، از وظایف دولت شمرده شده است.

اصل سی‌ام قانون اساسی دولت جمهوری اسلامی را موظف نموده به گونه‌ای برنامه‌ریزی و عمل نماید که آموزش و پرورش رایگان تا سطح متوسطه برای همه فراهم باشد، پر واضح است که این اصل نتوانسته به خوبی به مرحله اجرا درآید، زیرا از یک سو مدارس دولتی به عناوین مختلف و جوهی را از اولیاء دانش‌آموزان دریافت می‌دارند و از سوی دیگر با تعمیم و گسترش مدارس غیرانتفاعی و گرفتن شهریه‌های زیاد، زمینه عملی شدن اصل ۳۰ و بند ۳ اصل سوم از میان برداشته شده است.

طبعاً گرفتاری‌ها و مشکلات مالی دولت در این سال‌ها، مانع تحقق این اصل قانون اساسی بوده ولی مسأله مهم، این است که برنامه‌ریزی و اقدامات دولت باید به سمت و سویی باشد که حداقل، اجرای تدریجی و روزافزون این اصل را نشان دهد.

همین معنی در مورد وظیفه دولت به فراهم کردن تربیت بدنی رایگان برای همه طبق بند ۳ اصل سوم قانون اساسی وجود دارد، طبق پاسخی که ریاست محترم سازمان تربیت بدنی به استعلام هیأت داده است (نامه شماره ۴۳۹۹/م/۱ مورخ ۱۴/۶/۷۸ پیوست شماره ۱) ضمن ابراز تمایل و اشتیاق برای اجرای کامل این بند از قانون اساسی از عدم اجرای آن و وجود مشکلات مالی دولت و نبودن قانون مصوب مجلس در زمینه تسهیل اجرای آن سخن رفته است.

۴- اصل ۱۵ قانون اساسی: طبق اصل ۱۵، «زبان و خط رسمی و مشترک مردم ایران فارسی است... ولی استفاده از زبان‌های محلی و قومی در مطبوعات و رسانه‌های گروهی و تدریس ادبیات آن‌ها در مدارس، در کنار زبان فارسی آزاد است.»

اجرای صحیح این اصل درخصوص تدریس زبان‌های محلی و قومی در مدارس مشهود نیست. پاسخ وزارت آموزش و پرورش، به استعلام هیأت در مورد اجرای این اصل، حکایت از این دارد که اجرای این اصل نیاز به سیاست‌گذاری شورای عالی انقلاب فرهنگی دارد و با دستور رییس جمهور آقای وزیر فرهنگ و آموزش عالی مسؤل تهیه طرحی با مشارکت دستگاه‌های ذیربط شده است تا طرح مزبور در شورای عالی انقلاب فرهنگی مطرح و تصمیم لازم اتخاذ گردد (نامه شماره ۹۶۸/م/۱۴۰ مورخ ۷۸/۷/۱۰ آموزش و پرورش پیوست شماره ۲) تا این تاریخ اطلاعی از تهیه این طرح و اتخاذ تصمیم نسبت به آن در دست نیست.

۵- اصل ۲۹ قانون اساسی: طبق اصل ۲۹ قانون اساسی برخورداری از تأمین اجتماعی، از نظر بازنشستگی بیکاری، پیری، ازکارافتادگی، بی‌سرپرستی، در راه ماندگی، حوادث و سوانح و نیاز به خدمات بهداشتی و درمانی و مراقبت‌های پزشکی به صورت بیمه و غیره حقی است همگانی، و دولت مکلف است این مهم را برای یکایک افراد کشور تحقق بخشد، در اصل ۲۱ قانون اساسی نیز از جمله حمایت‌هایی که دولت مکلف شده است در جهت تأمین حقوق زنان به عمل آورد طبق بند ۴، ایجاد بیمه خاص بیوه‌گان و زنان سالخورده و بی‌سرپرست می‌باشد.

با وجود تلاش‌هایی که سازمان تأمین اجتماعی و نهادهایی چون سازمان بهزیستی و هلال احمر به عمل آورده‌اند، هنوز مفاد این دو اصل به درستی اجرا نشده و تأمین‌های اجتماعی لازم برای آحاد ملت فراهم نشده است. طبق توضیحی که سازمان تأمین اجتماعی به استعلام هیأت در این خصوص داده است حدود نیمی از جمعیت ایران به ویژه روستاییان از پوشش حمایت‌هایی چون بازنشستگی، بیمه بیکاری، ازکارافتادگی و حتی خدمات بیمه‌های درمانی برخوردار نیستند، (نامه شماره ۵۴۶۵۰/۱۳۰۰ مورخ ۷۸/۸/۲ سازمان تأمین اجتماعی پیوست شماره ۳) طبق اعلام سازمان تأمین اجتماعی،

پیش نویس: «طرح نظام جامع رفاه و تأمین اجتماعی» تهیه شده که در صورت تصویب و اجرا گامی در تحقق اجرای اصول مزبور خواهد بود.

۶- اصل ۱۰۱ قانون اساسی: اصل ۱۰۱ قانون اساسی، تشکیل شورایی به نام شورای عالی استان‌ها را پیش‌بینی کرده که مرکب از نمایندگان شوراهای استان‌ها بوده و در طریق تهیه برنامه‌های عمرانی و رفاهی استان‌ها و جلوگیری از تبعیض و نظارت بر اجرای هماهنگ برنامه‌ها فعالیت می‌نماید. این شورا تاکنون تشکیل نشده است. لازم به یادآوری است اصل ۱۰۰ قانون اساسی درخصوص تشکیل شوراهای شهر، بخش، روستا و... نیز با وجود تصویب قوانین مربوط به آن سال‌ها به تأخیر افتاد، در اوایل سال گذشته، هیأت نیز طی نامه‌ای به وزارت کشور نسبت به اجرای این اصل تذکر داد (نامه شماره ۱۸۶-۷۷/م مورخ ۲۸/۶/۷۸ پیوست شماره ۴) خوشبختانه اواخر سال گذشته انتخابات شوراهای شهر و روستا در سراسر کشور برگزار شد و این شوراهای تشکیل شدند ولی هنوز قسمتی از اصل ۱۰۰ در مورد تشکیل شورای استان و اصل ۱۰۲ راجع به تشکیل شورای عالی استان‌ها جامه عمل به خود پوشیده است.

بخش دوم: موارد نقض قانون اساسی

در این بخش به اصولی از قانون اساسی که به نظر می‌رسد در عمل و اجرا نقض شده و برخلاف مفاد آن‌ها تشکیلاتی ایجاد یا رویه‌های عملی‌ای به وجود آمده است اشاره می‌شود؛ اصول مشروحه زیر از جمله اصولی است که به نظر می‌رسد در عمل، مورد تعرض و تجاوز قرار گرفته‌اند:

۱- اصل ۱۵۹ قانون اساسی: طبق اصل ۱۵۹: «... تشکیل دادگاه‌ها و تعیین صلاحیت آن‌ها منوط به حکم قانون است.» به حکم اصل ۳۶ قانون اساسی: حکم به مجازات و اجرای آن باید تنها از طریق دادگاه صالح و به موجب قانون باشد. «قانون نیز به موجب اصول ۵۸ و ۵۹ قانون اساسی از طریق مجلس شورای اسلامی یا همه‌پرسی صورت می‌گیرد.

با این وصف: الف - تشکیل دادگاه ویژه روحانیت که به عنوان یک نهاد قضایی

تشکیل شده و محاکمه و صدور حکم در مورد قشری از افراد جامعه را به عهده دارد نقض اصل ۱۵۹ و نیز اصل ۳۶ قانون اساسی محسوب می‌شود. تفصیل مطلب در مورد مغایرت دادگاه مزبور با قانون اساسی در پیوست این گزارش آمده است. (پیوست شماره ۵).

ب - دادگاه‌های ویژه اصل ۴۹ قانون اساسی:

به موجب اصل ۴۹ قانون اساسی: «دولت موظف است ثروت‌های ناشی از ربا، غصب، زشوه، اختلاس، سرقت، قمار، سوء استفاده از موقوفات، سوء استفاده از مقاطعه‌کاری‌ها و معاملات دولتی، فروش زمین‌های موات و مباحات اصلی، دایر کردن اماکن فساد و سایر موارد غیر مشروع را گرفته و به صاحب حق رد کند. و در صورت معلوم نبودن او به بیت‌المال بدهد، این حکم باید با رسیدگی و ثبوت شرعی به وسیله دولت اجرا شود.» برای اجرای این اصل در سال ۱۳۶۳ قانونی به نام قانون نحوه اجراء اصل ۴۹ قانون اساسی از تصویب مجلس شورای اسلامی گذشت و در آن مقرر شد که شعبه یا شعبی از دادگاه انقلاب در مرکز استان یا شهرستان برای رسیدگی به این امور اختصاص داده شود به طور طبیعی رسیدگی به این امر در دادگاه انقلاب تابع شرایط و مقررات مربوط به دادگاه‌های عمومی و انقلاب بوده و احکام صادره می‌توانست حسب مورد قابل اعتراض در دادگاه‌های تجدیدنظر استان و یا دیوان عالی کشور باشد ولی وضع فعلی رسیدگی به این امر که در پی فرمان مورخ ۱۳۶۸/۲/۶ مقام معظم رهبری و سؤال و جواب‌هایی که از ایشان به عمل آمده، وجود دارد به نظر ناقض اصل ۱۵۹ قانون اساسی می‌آید؛ زیرا طبق فرمان مزبور حجة الاسلام آقای نیری مأمور شده‌اند که شعب ویژه‌ای از دادگاه‌های انقلاب یا افراد واجد شرایط و صلاحیت را برای رسیدگی به این امر و صدور حکم، تعیین نمایند و احکام صادره پس از تأیید شخص ایشان قطعی و لازم‌الاجرا خواهد بود. تفصیل بیشتر این موضوع در پیوست این گزارش تقدیم می‌گردد. (پیوست شماره ۶)

۲- اصل ۵۸ قانون اساسی: طبق اصل ۵۸، اعمال قوه مقننه از طریق مجلس شورای اسلامی است و به موجب اصل ۵۹ در بعضی از مسایل بسیار مهم، ممکن است اعمال

قوه مقننه از راه همه‌پرسی و مراجعه مستقیم به آراء مردم صورت گیرد. در قانون اساسی پیش بینی شده که کمیسیون‌های داخلی مجلس در موارد ضرورت و به صورت موقت و آزمایشی و دولت در یک مورد خاص یعنی تصویب اساسنامه سازمان‌ها و شرکت‌های دولتی با ارجاع مجلس می‌توانند وضع قانون نمایند. (اصل ۸۵) مجلس خبرگان نیز مقررات مربوط به انتخابات خبرگان و آیین‌نامه داخلی خود را می‌تواند تصویب کند (اصل ۱۰۸) طبق بند ۸ اصل ۱۱۰ مقام رهبری نیز می‌تواند برای حل معضل نظام که از طرق قانونی قابل رفع نباشد از طریق مجمع تشخیص مصلحت نظام تصمیماتی بگیرد و به مرحله اجرا گذارد. در قانون اساسی به نهاد دیگری اختیار وضع قانون و تصمیماتی که حکم قانون را داشته باشد، داده نشده است. بر این اساس تصمیماتی که شورای عالی انقلاب فرهنگی می‌گیرد و آن‌ها را همانند قانون لازم‌الاتباع و لازم‌الاجرا می‌شمارد چنانکه در مصوبه شورا منتشره در شماره ۱۵۴۰۰-۱۵/۱۰/۱۳۷۶ روزنامه رسمی آمده است (مجموعه قوانین سال ۱۳۷۶ ص ۱۳۰۰ پیوست شماره ۷) تجاوز به قلمرو قوه مقننه و ناقض اصول ۵۸ و ۵۹ قانون اساسی به شمار می‌رود.

۳- اصل ۲۲ قانون اساسی: مطابق اصل ۲۲: «حیثیت، جان، مال، حقوق، مسکن و شغل اشخاص از تعرض مصون است، مگر در مواردی که قانون تجویز کند.»

حق حیات و حرمت مسکن و زندگی شخصی و خصوصی افراد از جمله حقوق اساسی است که امروزه در زمره اصلی‌ترین مصادیق حقوق بشر به شمار می‌آید، و قانون اساسی نیز حفظ و حرمت آن را لازم شمرده و تعرض به آن‌ها را تنها با مجوز قانون و در مواردی که در قانون ذکر شده مجاز دانسته است. متأسفانه شکایات مختلفی که در طول این مدت به هیأت واصل شده حاکی از عدم توجه به این اصل و نقض آن می‌باشد، بارزترین نمونه مستند آن وقوع قتل‌های معروف به قتل‌های زنجیره‌ای در سال گذشته و حمله به کوی دانشگاه و ضرب و شتم دانشجویان و تخریب وسایل و محل مسکونی آن‌ها در ۱۸ تیرماه سال جاری است که به وسیله بدنه‌ای از دستگاه حکومت صورت گرفت و به صورت آشکار اصل ۲۲ قانون اساسی مخصوصاً در ارتباط با جان، مال،

مسکن و حیثیت برخی از اشخاص و شهروندان نقض شد. البته رییس جمهور به حکم وظیفه موضوع اصل ۱۱۳ قانون اساسی، اقدامات ممکن از قبیل موضع گیری و محکوم کردن و اصرار بر رسیدگی و پیگیری موضوع و تشکیل کمیته های حقیقت یاب به عمل آورد و هم اینک قوه قضاییه باید رسیدگی دقیق و عادلانه خود را دنبال نماید و با قضاوت عادلانه خود گامی محکم در طریق جبران تبعات مربوط به نقض این اصل قانون اساسی و پیشگیری از وقوع حوادثی مشابه آن انجام دهد.

۴- اصل ۲۳ قانون اساسی: به موجب اصل ۲۳: «تفتیش عقاید ممنوع است و هیچ کس را نمی توان به صرف داشتن عقیده ای مورد تعرض و مؤاخذه قرار داد.»

مطابق این اصل قانون اساسی، اولاً نباید در مقام کشف و به دست آوردن عقاید کسی برآمد، ثانیاً در صورت پی بردن به عقاید شخصی اعم از عقاید سیاسی و مذهبی نباید وی را مورد تعرض و مؤاخذه قرار داد، مقتضای این اصل باید این باشد که اگر به صرف ابراز عقیده از سوی شخصی، نوع عقیده او معلوم شد، نباید از این جهت مورد تعرض و مؤاخذه قرار گیرد البته نشر و تبلیغ عقیده می تواند حکم دیگری داشته باشد، از سوی دیگر، مقتضای اطلاق این اصل و عدم ذکر قید استثنایی مگر به حکم قانون، مبین این معنی است که حتی قانون نمی تواند تفتیش عقیده را مجاز و یا برای داشتن عقیده خاصی مجازات و تعرضاتی وضع کند.

به نظر می رسد این اصل نیز در مواردی نقض شده و می شود، اولاً مواردی وجود دارد که شخص را به خاطر تغییر عقیده و ارتداد به استناد فتاوی معتبره به اعدام محکوم کرده اند نمونه هایی از آن در دادگستری یزد و بابل موجود است، و در مواردی افرادی به خاطر داشتن عقیده خاصی اموالشان مصادره شده نمونه آن را در پرونده های دادگاه انقلاب و دادگاه اصل ۴۹ می توان دید. (پیوست شماره ۸)

ثانیاً طبق مصوبه مورخ ۱۳۶۹/۱۲/۱۶ شورای عالی انقلاب فرهنگی بته صرف احراز بهایی بودن شخصی، از ورود او به دانشگاه جلوگیری می شود و اگر وارد شده اخراج می شود. همچنین به صرف ابراز بهایی بودن از استخدام ممنوع است. (پیوست

(شماره ۹)

ثالثاً: گزارش‌ها و شکواییه‌های مختلف حکایت از این دارد که در مواقع استخدام و اشتغال و مصاحبه‌ها حتی در مورد کاندیداهای نمایندگی مجلس، سؤال‌های گوناگونی از داوطلبان می‌شود که نوع عقیده و گرایش سیاسی آن‌ها به دست آید که البته در حال حاضر مستند مکتوب آن در دست نیست.

۵- اصل ۲۸ قانون اساسی: به موجب اصل ۲۸: «هر کس حق دارد شغلی را که بدان مایل است و مخالف اسلام و مصالح عمومی و حقوق دیگران نیست برگزیند...»
در این اصل قانون اساسی، اصل بر آزادی انتخاب شغل برای هر کس بدون توجه به هرگونه تعلق و وابستگی او قرار داده شده است. محدودیت مربوط به انتخاب شغل در این اصل به سه مورد منحصر شده است، مخالفت با اسلام، مخالفت با مصالح عمومی و تعارض با حقوق دیگران. در برخی از موارد محدودیت‌ها و محرومیت‌های شغلی برای افرادی ایجاد می‌شود که داخل در محدودیت‌های سه گانه فوق‌الذکر نیست و در نتیجه خلاف قانون اساسی می‌شود، به غیر از نمونه‌های عملی که طبق شکایات واصله از برخی فرق غیرمسلمان وجود دارد، مشاغلی که به طور مطلق احراز آن منوط به داشتن دین اسلام یا یکی از ادیان رسمی کشور است در این چارچوب قرار می‌گیرند و نمونه نهادینه آن ماده ۱۲ آیین‌نامه اجرایی ماده ۱۰ قانون سازمان دامپزشکی کشور مصوب سال ۱۳۷۳ هیأت وزیران است که شرط صدور پروانه اشتغال به دامپزشکی را متدین بودن به یکی از ادیان رسمی کشور دانسته است. (پیوست ۱۰)

۶- اصل ۳۲ قانون اساسی: اصل ۳۲ بخش مهمی از روند صحیح دادرسی را در مورد متهمین بیان می‌کند. به موجب این اصل: «هیچ کس را نمی‌توان دستگیر کرد مگر به حکم و ترتیبی که قانون معین می‌کند. در صورت بازداشت، موضوع اتهام باید با ذکر دلایل بلافاصله کتباً به متهم ابلاغ و تفهیم شود و حداکثر ظرف مدت بیست و چهار ساعت پرونده مقدماتی به مراجع صالحه قضایی ارسال و مقدمات محاکمه در اسرع وقت فراهم گردد متخلف از این اصل طبق قانون مجازات می‌شود.»

پیداست هدف از بیان مقررات و ضوابط مندرج در این اصل، این است که

حتی الامکان بی جهت آزادی کسی محدود نشود و شخصی بدون ترتیبات قانونی دستگیر و زندانی نگردد و رسماً و صریحاً از اتهامات خود مطلع شود تا بتواند از خویشتن دفاع نماید؛ طی شکایات و اعلاماتی که به این هیأت رسیده ملاحظه می شود مفاد این اصل در مواردی نقض می شود گاه افرادی مدت ها در بازداشتگاه نیروی انتظامی به سر می برند (پیوست شماره ۱۱) همچنین قرارهای تأمین نامتناسب با موضوع اتهام صادر می شود که شخص ناگزیر زندانی می گردد مانند قرارهای وثیقه سنگین چند میلیون تومانی برای برخی ارباب مطبوعات که در این اواخر صادر شده و از سوی هیأت به قوه قضاییه نیز تذکر داده شده است (پیوست است شماره ۱۲). بازداشت های انفرادی و ممنوع الملاقات برای مدت طولانی دو ماه و سه ماه که مخصوصاً در جریان رسیدگی به پرونده مدیران شهرداری تهران دیده شد و نیز در بازدید برخی از اعضا هیأت در سال گذشته از زندان توحید مشاهده و گزارش آن به ریاست محترم جمهوری داده شد، همه این ترتیبات به نوع نقض اصل ۳۲ قانون اساسی به حساب می آید که باید نیروی انتظامی و دستگاه قضایی بذل توجه بیشتری به این موضوع بنمایند.

۷- اصول ۳۸ و ۳۹ قانون اساسی: طبق اصل ۳۸ قانون اساسی: «هرگونه شکنجه برای گرفتن اقرار و یا کسب اطلاع ممنوع است. اجبار شخص به شهادت، اقرار یا سوگند مجاز نیست و چنین شهادت و اقرار و سوگندی فاقد ارزش و اعتبار است...»

و به حکم اصل ۳۹: «هتک حرمت و حیثیت کسی که به حکم قانون دستگیر، بازداشت، زندانی یا تبعید شده به هر صورت که باشد، ممنوع و موجب مجازات است.» شکایات و گزارشات متعددی حاکی از اعمال شکنجه و فشار جسمی و روانی برای گرفتن اقرار و یا دادن شهادت به هیأت واصل شده، برخی از افراد در هیأت حضور یافته و از ضرب و شتم و بدرفتاری و انواع توهین که به آنها رفته سخن گفتند، گوشه ای از این نوع رفتارها در جریان پرونده مدیران شهرداری تهران مشخص شد که براساس آن با خواست ریاست جمهوری پرونده به مرجع قضایی (سازمان قضایی نیروهای مسلح) ارجاع شد و رسیدگی قضایی صورت گرفت. در بعضی از موارد شکنجه و ضرب و شتم متجر به آسیب دیدگی شخص و گاهی منتهی به قتل شده و مواردی پرونده تشکیل و

حتی الامکان بی جهت آزادی کسی محدود نشود و شخصی بدون ترتیبات قانونی دستگیر و زندانی نگردد و رسماً و صریحاً از اتهامات خود مطلع شود تا بتواند از خویشتن دفاع نماید؛ طی شکایات و اعلاماتی که به این هیأت رسیده ملاحظه می شود مفاد این اصل در مواردی نقض می شود گاه افرادی مدت ها در بازداشتگاه نیروی انتظامی به سر می برند (پیوست شماره ۱۱) همچنین قرارهای تأمین نامتناسب با موضوع اتهام صادر می شود که شخص ناگزیر زندانی می گردد مانند قرارهای وثیقه سنگین چند میلیون تومانی برای برخی ارباب مطبوعات که در این اواخر صادر شده و از سوی هیأت به قوه قضاییه نیز تذکر داده شده است (پیوست است شماره ۱۲). بازداشت های افرادی و ممنوع الملاقات برای مدت طولانی دو ماه و سه ماه که مخصوصاً در جریان رسیدگی به پرونده مدیران شهرداری تهران دیده شد و نیز در بازدید برخی از اعضا هیأت در سال گذشته از زندان توحید مشاهده و گزارش آن به ریاست محترم جمهوری داده شد، همه این ترتیبات به نوع نقض اصل ۳۲ قانون اساسی به حساب می آید که باید نیروی انتظامی و دستگاه قضایی بذل توجه بیشتری به این موضوع بنمایند.

۷- اصول ۳۸ و ۳۹ قانون اساسی: طبق اصل ۳۸ قانون اساسی: «هرگونه شکنجه برای گرفتن اقرار و یا کسب اطلاع ممنوع است. اجبار شخص به شهادت، اقرار یا سوگند مجاز نیست و چنین شهادت و اقرار و سوگندی فاقد ارزش و اعتبار است...»

و به حکم اصل ۳۹: «هتک حرمت و حیثیت کسی که به حکم قانون دستگیر، بازداشت، زندانی یا تبعید شده به هر صورت که باشد، ممنوع و موجب مجازات است.» شکایات و گزارشات متعددی حاکی از اعمال شکنجه و فشار جسمی و روانی برای گرفتن اقرار و یا دادن شهادت به هیأت واصل شده، برخی از افراد در هیأت حضور یافته و از ضرب و شتم و بدرفتاری و انواع توهین که به آنها رفته سخن گفتند، گوشه ای از این نوع رفتارها در جریان پرونده مدیران شهرداری تهران مشخص شد که براساس آن با خواست ریاست جمهوری پرونده به مرجع قضایی (سازمان قضایی نیروهای مسلح) ارجاع شد و رسیدگی قضایی صورت گرفت. در بعضی از موارد شکنجه و ضرب و شتم متجر به آسیب دیدگی شخص و گاهی منتهی به قتل شده و مواردی پرونده تشکیل و

حکم محکومیتی نیز برای آمرین و مباشرین شکنجه صادر شده است، (نمونه دستورات و حکم صادره پیوست است پیوست شماره ۱۳) در بسیاری از موارد هم یا شکنجه شدگان جرأت نکردند کتباً شکایت خود را تقدیم دارند و یا نتوانستند صحت اظهارات خود را اثبات کنند ولی در مجموع از نحوه اظهارات آنها و از برخی نمونه‌های مسلم و ثابت شده قدر متیقنی از وجود آزار و بدرفتاری و شکنجه نسبت به متهمین به دست می‌آید. گفته می‌شود این اواخر و از سال گذشته به این طرف تغییر وضعی ایجاد شده و رفتارها بهبود یافته است ولی مسأله نیاز به بررسی و پیگیری بیشتر دارد، حساسیت و توجه و نظارت درست قوه قضاییه و آموزش و افزایش مهارت علمی بازجویی و لغو پدیده معروف به گرفتن حکم تعزیر برای متهمان که در واقع گرفتن نوعی مجوز قانونی و شرعی برای شکنجه است، می‌تواند کمک مؤثری، به پایان دادن یا حداقل کم کردن این عمل زشت و ناقض قانون اساسی باشد.

۸- اصل ۱۶۸ قانون اساسی: به غیر از عدم اجرای اصل ۱۶۸ در قسمت مربوط به جرم سیاسی، آن قسمت از اصل ۱۶۸ نیز که مربوط به جرایم مطبوعاتی می‌شود، گاه در عمل نقض می‌گردد. با این‌که طبق اصل ۱۶۸ رسیدگی به جرایم مطبوعاتی علنی است و با حضور هیأت منصفه در محاکم دادگستری صورت می‌گیرد و عنوان محاکم دادگستری با توجه به سابقه، ظهور در دادگاه‌های عمومی دادگستری دارد ولی در عمل دیده شد که دادگاه انقلاب و دادگاه ویژه روحانیت نیز در این زمینه مداخله نموده و به تعطیلی روزنامه یا لغو پروانه آن و یا تعیین مجازات برای مسئولین آن اقدام کرده‌اند که در موقع خود تذکراتی از سوی هیأت داده شده است. (پیوست شماره ۱۴).

بسمه تعالی

شماره ۷۸-۱۱۱۹۰

تاریخ ۱۳۷۸/۱۲/۹

حجة الاسلام والمسلمین جناب آقای ناطق نوری
ریاست محترم مجلس شورای اسلامی

با سلام

همان طور که مستحضرید اصل ۱۱۳ قانون اساسی مسؤلیت اجرای قانون اساسی را به عهده رئیس جمهور گذاشته است. همچنین مواد ۱۳، ۱۴ و ۱۵ قانون تعیین حدود وظایف و اختیارات و مسؤلیت های ریاست جمهوری مصوب سال ۱۳۶۵ مجلس شورای اسلامی تکالیفی را در جهت اجرای اصول قانون و جلوگیری از نقض آن بر دوش رئیس جمهور قرار داده است و ماده ۱۶ قانون مزبور مقرر می دارد:

«رئیس جمهور می تواند سالی یک بار، آمار موارد توقف، عدم اجرا و نقض و تخلف از قانون اساسی را با تصمیمات متخذة تنظیم کند و به اطلاع مجلس شورای اسلامی برساند.» در اجرای ماده مزبور برای نخستین بار، به پیوست موارد عدم اجرا و نقض قانون اساسی که از سوی هیأت پیگیری و نظارت بر اجرای قانون اساسی تهیه شده است ارسال می گردد که به هر نحو مقتضی می دانید در اجرای قانون فوق الذکر به اطلاع نمایندگان محترم مجلس شورای اسلامی برسید. گزارش مزبور مشتمل بر مقدمه مختصری در شرح وظیفه رئیس جمهور در اجرای قانون اساسی و تشکیل هیأت پیگیری و نظارت بر اجرای قانونی اساسی، و احصاء موارد عدم اجرا و نقض قانون اساسی به پیوست مستندات آن می باشد. با این که، این گزارش، کامل و جامع نیست ولی امید است با همکاری قوای سه گانه و مسؤولین مربوطه و به خصوص عنایت و توجه مجلس محترم شورای اسلامی توفیق اجرای صحیح و کامل قانون اساسی پیدا شود و نیازی به تنظیم و ارسال این گزارش ها نباشد. ضمناً خاطر نشان می سازد که همین گزارش به

انضمام مواردی که مرتبط با نهادهای وابسته به رهبری بوده خدمت مقام معظم رهبری
ارسال گردیده است.

سیدعلی خاتمی

رئیس جمهوری اسلامی ایران

بسمه تعالی

شماره ۷۹-۱۱۹۴۹

تاریخ ۱۳۷۹/۱/۷

حضرت آیه الله خامنه ای

مقام معظم رهبری

با سلام

همان طور که مستحضرید اصل ۱۱۳ قانون اساسی مسئولیت اجرای قانون اساسی را به عهده رییس جمهور گذاشته است. همچنین مواد ۱۳، ۱۴ و ۱۵ قانون تعیین حدود وظایف و اختیارات و مسئولیت های ریاست جمهوری مصوب سال ۱۳۶۵ مجلس شورای اسلامی تکالیفی را در جهت اجرای اصول قانون اساسی و جلوگیری از نقض آن بر دوش رییس جمهور قرار داده است و ماده ۱۶ قانون مزبور مقرر می دارد:

«رییس جمهور می تواند سالی یک بار، آمار موارد توقف، عدم اجرا و نقض و تخلف از قانون اساسی را با تصمیمات متخذه تنظیم کند و به اطلاع مجلس شورای اسلامی برساند.» در اجرای ماده مزبور برای نخستین بار، موارد عدم اجرا و نقض قانون اساسی که از سوی هیأت پیگیری و نظارت بر اجرای قانون اساسی تهیه شده است تقدیم مجلس شورای اسلامی گردیده. گزارش مزبور مشتمل بر مقدمه مختصری در شرح وظیفه رییس جمهور در اجرای قانون اساسی و تشکیل هیأت پیگیری و نظارت بر اجرای قانون اساسی، و احصاء موارد عدم اجرا و نقض قانون اساسی به پیوست مستندات آن می باشد. با این که، این گزارش، کامل و جامع نیست ولی امید است با همکاری قوای سه گانه و مسئولین مربوطه و به خصوص عنایت و توجه حضرت عالی توفیق اجرای صحیح و کامل قانون اساسی پیدا شود و نیازی به تنظیم و ارسال این گزارشها نباشد.

با عنایت به اصل ۱۲۲ قانون اساسی که رییس جمهور در حدود اختیارات و وظایفی که به موجب قانون اساسی و یا قوانین عادی به عهده دارد در برابر ملت و رهبر و مجلس شورای اسلامی مسؤول است، نسخه ای از گزارش کامل تر به محضر جناب عالی ارسال می گردد، لازم به یادآوری است بندهای مربوط به شورای عالی انقلاب فرهنگی و دادگاه

ویژه روحانیت در گزارش ارسالی به مجلس نیامده است و جهت استحضار حضرت عالی و گرفتن رهنمود مقتضی خدمتتان فرستاده می شود.

سید محمد خاتمی

رئیس جمهوری اسلامی ایران